دکتر مرضیه شعربافچی‌زاده، مدرس دانشگاه و پژوهشگر خانواده:

کاری که زنان می‌کنند خانواده‌داری است نه خانه‌داری

یک پژوهشگر حوزه خانواده می‌گوید: اگر شرایط مرد اجازه همکاری در منزل را نداد، همدلی با همسرش را فراموش نکند که همان همدلی خانم را به صبر و آرامش می‌رساند. دکتر مرضیه شعربافچی‌زاده، مدرس دانشگاه و پژوهشگر حوزه جنسیت و خانواده در گفت‌وگو با «جوان» در رابطه با نقطه تعادل و تفاهم زوجین در تقسیم کار می‌گوید: به لحاظ شرعی وظیفه نان‌آوری با مرد است و در مقابل کارهای منزل با خانم است در حالی که نمی‌توان آن را وظیفه تلقی کرد.

به گفته شعربافچی‌زاده از آنجا که کار آقا مابه‌ازای مادی و نتیجه ملموس دارد، در نتیجه کار آقا دیده و به عنوان سرمایه، یک ارزش محسوب می‌شود، در حالی که زحمات خانم‌ها در منزل ملموس نیست به رغم زمان زیاد، خستگی و نداشتن تعطیلات اما خانم‌ها همواره درگیر کار منزل هستند.

وی می‌افزاید: گاهی شاید یک لیوان در منزل در یک روز ۱۰ بار شسته می‌شود و در نهایت همان لیوان سرجای خودش قرار می‌گیرد، در حالی که رفت‌وبرگشت ۱۰ بار، به این لیوان محسوس و قابل مشاهده نیست و صرفاً همان بار دهم دیده می‌شود که همین موضوع در بسیاری از امور منزل مصداق دارد.

به اعتقاد وی، اگر قرار باشد یک آقا این کارها را انجام دهد، ظرافتی را که خانم قادر به انجام آن است، نخواهد داشت.

شعربافچی‌زاده تأکید می‌کند: این حجم از کار در حوصله خانم‌ها هم نمی‌گنجد، اما در حال حاضر اکثر خانم‌ها یا بیرون، مشغول کار هستند یا در منزل درگیری دارند. در نتیجه کار خانه یک زحمت مضاعف می‌شود. عمدتا همه می‌گویند برای خانم اجباری به کار بیرون از منزل وجود ندارد، بنابراین اگر در خانه بماند و مشغول کارهای منزل شود بهتر است. در حالی که در دوره تمدن‌سازی اسلامی خانم‌ها و آقایان باید در کنار یکدیگر این تمدن را خلق کنند.

شعربافچی‌زاده در ادامه می‌گوید: طبق فرموده رهبری این تمدن‌سازی ملزوماتی دارد. اتفاقاً ایشان در این باره تأکید دارند شرایط فراهم شود و برای این فراهم ساختن شرایط، لزوماً زن نباید از شغل خود صرف‌نظر کند.

به اعتقاد وی، دلیل خستگی افراد از نقش‌هایی که به آنها داده شده، قدرناشناسی و نادیده‌گرفتن است. وی در این باره می‌افزاید: سبک شدن کارها در نقش‌های مختلف موجب گلایه می‌شود، چراکه اگر زن و مرد قدردان زحمات یکدیگر باشند، خودشان نیز راضی به انجام کارها خواهند بود.

به اعتقاد وی، منظور رهبر معظم انقلاب از خانه‌داری همان خانواده‌داری است.

وی در ادامه می‌افزاید: هر خانواده‌ای به یک نحو مفهوم «داری» را پیش می‌برد و انتظارات اعضای خانواده باهم تفاوت دارد. گاهی آقا یک همسر همراه می‌خواهد و گاهی طبخ غذا و جزئیات خانه برایش مهم است و برعکس، یک خانم گاهی با یک عامربانک برای رفع نیازهای مادی خود ازدواج می‌کند و گاهی هم به دنبال یک همراه و همقدم برای رفتن به سوی موفقیت و کمال می‌گردد.

به اعتقاد این پژوهشگر حوزه خانواده، مفهوم «داری» در نگاه رهبر معظم انقلاب بر عهده خانم است چراکه صرفاً یک خانم می‌تواند سلایق و علایق را کنار یکدیگر قرار دهد، اما نکته این است که برای فرزندداری و سایر موارد شراکت و تقسیم کار وجود داشته باشد.

از شعربافچی‌زاده می‌پرسیم آیا این تقسیم کار به لحاظ عاطفی در زندگی افراد اثر گذار است یا خیر که وی اینگونه پاسخ می‌دهد: رضایت یک خانم از زندگی دقیقاً به میزان توجه همسرش به او برمی‌گردد. یکی از مصادیق توجه به همسر، کمک در امور منزل است و همین که مرد درک کند، کاری را در خانه قبول کند در روحیه زن بسیار اثرگذار است.

به اعتقاد وی، نسخه واحدی برای تمامی خانواده‌ها در حوزه تقسیم کار و وظایف وجود ندارد و همه چیز بستگی به جزئیات زندگی افراد دارد.

وی می‌افزاید: تقسیم کار به جزئیات مختلف از جمله نوع شغل خانم و آقا، سبک زندگی، تعداد فرزندان، نوع خود و خوراک و حتی محل زندگی و متراژ خانه برمی‌گردد و باید با توجه به تمام این جزئیات تقسیم کار صورت گیرد.

این استاد دانشگاه می‌گوید: اخلاق افراد و نوع نیازمندی‌ها هم قرار دارد در نتیجه نمی‌توان نسخه واحدی برای همه پیچید، اما به همه می‌گوییم حواس‌تان به یکدیگر باشد و نیازمندی‌های روحی یکدیگر را درک کنید.

از دکتر شعربافچی‌زاده می‌پرسیم آیا باید این تقسیم کار از ابتدا مشخص شود. وی پاسخ می‌دهد: ما نیازمند آموزش‌های کار گاهی قبل از ازدواج هستیم و در واقع ما به آموزش‌های اجباری یا بدروی بیاوریم تا مهارت‌های مختلف زندگی آموزش داده شود. بسیاری از دختران و پسران ما در خانواده آموزش همسرداری نمی‌بینند و در کنار آن حتی والدین مسئولیت‌سازی را هم انجام نمی‌دهند. در نتیجه در بلوروود به زندگی با روحیتی مواجه می‌شویم که مهارت مسئولیت‌پذیری ندارند. تمامی موارد باید توافقی صورت بگیرد که این توافق می‌تواند هفتگی و روزانه تغییر کند و ثابت نیست اما باید توافق شود که وظایف تقسیم شود.

وی در پایان خاطر نشان می‌کند: اگر شرایط مرد اجازه همکاری در منزل را نداد، همدلی با همسرش را فراموش نکند که همان همدلی خانم را به صبر و آرامش می‌رساند.

در حال حاضر اکثر خانم‌ها یا بیرون، مشغول کار هستند یا در منزل درگیری دارند. در نتیجه کار خانه یک زحمت مضاعف می‌شود. عمدتا همه می‌گویند برای خانم اجباری به کار بیرون از منزل وجود ندارد، بنابراین اگر در خانه بماند و مشغول کارهای منزل شود بهتر است، در حالی که در دوره تمدن‌سازی اسلامی خانم‌ها و آقایان باید در کنار یکدیگر این تمدن را خلق کنند

ترجمه وظایف زن و شوهری در مدیریت خانواده به زبان روز

نه خانم، نه آقا حرف اول و آخر را «تفاهم» می‌زند

حسین گل‌محمدی

قبول کنید که دیگر دوره مردسالاری و زن‌سالاری گذشته است و هیچ خانواده متعادلی استبداد را برنمی‌تابد. اینکه پدر خانواده تصمیم‌گیر مطلق باشد و دیگر اعضای خانواده - همسر و فرزند - اجازه هیچ اظهار نظر و انتقادی نداشته باشند، تقریباً به تاریخ پیوسته است یا اینکه حرف، حرف مادر باشد ولاغیر! اصلاً از درست و غلط بودن برخی نگاه‌های سنتی بگذریم، مگر می‌شود در روزگاری که زن و مرد پایه‌پای هم چرخ زندگی را می‌چرخانند و هر دو از فرصت‌های برابر تحصیل و اشتغال برخوردارند، حرف از مردسالاری و زن‌سالاری بزنیم. این یک سوی ماجرا! اما سوی دیگر ماجرا این است که بسیاری از تقسیم‌بندی‌های خشک و کلیشه‌ای درباره وظایف زن و مرد جوابگوی شرایط امروز نیست و اگر در گذشته - حتی به اشتباه - جنبه‌ای کارکردی داشت، حالا دیگر موضوعیت ندارد. در واقع باید وظایف زن و شوهری را در مدیریت خانواده به زبان روز بازخوانی و ترجمه کرد. مثلاً‌لازم آن مادری که صبح تا عصر سرکار می‌رود، نمی‌توان انتظار داشت وقتی خسته و درمانده به خانه می‌رسد، به تنهایی و بدون مشارکت همسر و فرزندان تمام کارهای منزل را به بهترین نحو انجام دهد. البته که برخی نقش‌های ماهوی مثل مادری و پدری را نمی‌توان جابه‌جا یا تفویض کرد. اما حرف ما جیز دیگری است. حرف ما اهمیت تفاهم و درک متقابل میان زوجین در زمانه‌ای است که هیچ شکل دیگری جز خانواده دموکراتیک برای ادامه زندگی مشترک جواب نمی‌دهد. در چنین خانواده‌ای اگر شرایط ایجاب کند، گربزی از کمک مرد به زن در کارهای منزل نیست و شاید لازم باشد گاهی هم مرد خانه ظرف بشوید و به امور فرزندان رسیدگی کند. با وجود این، بدون تردید هر خانه‌ای شرایط خاص خود را دارد و پیچیدن نسخه‌ای واحد برای همه خانواده‌ها کاری خطاست. نکته جالب این است که مصادیق و آموزه‌های اسلام و سیره معصومین(ع) در هزار و ۴۰۰ سال پیش هم بر این نگاه متعادل و متعالی صحه می‌گذارد. خلاصه کلام اینکه در یک خانواده سالم و متعادل، حرف اول و آخر را نه صرفاً خانم یا صرفاً آقا، بلکه تفاهم می‌زند و چنین خانواده‌ای نه تنها در تعامل زوجین با یکدیگر، بلکه در تعامل والد و فرزندی نیز به چالش برنخواهد خورد.

حجت‌الاسلام مهدی دریانی، کارشناس خانواده و سبک زندگی:

زوجین قوانین مخصوص خود را خلق کنند تا حال‌شان خوب باشد

به اعتقاد یک کارشناس مذهبی، اگر قرار باشد خانه و خانواده را با قوانین خشک اداره کنیم، موفق نخواهیم بود. زوجین قانون مخصوص خود را خلق کنند تا حال هر دو طرف خوب باشد و هیچ کس حس مظلوم‌بودن نداشته باشد.

حجت‌الاسلام مهدی دریانی، کارشناس مذهبی و روان‌شناس خانواده و سبک زندگی در رابطه با تقسیم‌بندی وظایف زن و شوهر به لحاظ عرفی، فقهی و قانونی می‌گوید: حدود وظایف بانوان و آقایان به خصوص یک زوج در خانواده، جنبه‌های فقهی و عرفی را توأمان در کنار یکدیگر دارد. فقه و عرف ما جدا از یکدیگر نیست اما اساس فقه است. عرف از قواعد فقه منال اهم و مهم و سایر قواعد مسئله تغییراتی را می‌پذیرد که به احکام ثانویه شناخته می‌شود. در واقع ما یک سری قوانین ثابت فقهی داریم، اما گاهی برخی قوانین مثل همان ثانویه در قوانین قبلی ایجاد شده، نکته این است ما احکام فقهی را به دور از اخلاق نمی‌بینیم چراکه فقه ناآگاهانه است و فقاهت نیز خشک است، بنابراین اگر قرار باشد خانه و خانواده را با قوانین خشک اداره کنیم، موفق نخواهیم بود.

به اعتقاد وی، قوانین و مقررات خشک همواره یک طرف را ناراضی می‌کند در حالی که دستور مراجع است که بعد از بیان شرح و فقه، همواره حکم اخلاق هم بیان شود به طور مثل درست است که وظیفه قطعی نیز نیست که وظیفه مشروط باغذا درست کند. اما اخلاق حکم می‌کند که یک خانم در این زمینه فعال ترباشد.

حجت‌الاسلام دریانی توضیح می‌دهد: هر کدام از وظایف به صورت خط کشی شده مطرح است. مثلاً در مورد وظایف زن در خانواده در فقه تمکین و فرزندآوری مطرح شده و در مقابل مرد هم نان‌آوری و تأمین تمام نیازهای شرعی و عرفی همسرش را بر عهده دارد. خانم‌ها حتی به لحاظ فقهی وظیفه شیردهی می‌شود و به جای دنبال کردن تشابهات، تفاوت‌ها دیده می‌شود.

به اعتقاد وی از آنجا که کار آقا مابه‌ازای مادی و نتیجه ملموس دارد، در نتیجه کار آقا دیده و به عنوان سرمایه، یک ارزش محسوب می‌شود، در حالی که زحمات خانم‌ها در منزل ملموس نیست به رغم زمان زیاد، خستگی و نداشتن تعطیلات اما خانم‌ها همواره درگیر کار منزل هستند.

وی می‌افزاید: گاهی شاید یک لیوان در منزل در یک روز ۱۰ بار شسته می‌شود و در نهایت همان لیوان سرجای خودش قرار می‌گیرد، در حالی که رفت‌وبرگشت ۱۰ بار، به این لیوان محسوس و قابل مشاهده نیست و صرفاً همان بار دهم دیده می‌شود که همین موضوع در بسیاری از امور منزل مصداق دارد.

به اعتقاد وی، اگر قرار باشد یک آقا این کارها را انجام دهد، ظرافتی را که خانم قادر به انجام آن است، نخواهد داشت.

شعربافچی‌زاده تأکید می‌کند: این حجم از کار در حوصله خانم‌ها هم نمی‌گنجد، اما در حال حاضر اکثر خانم‌ها یا بیرون، مشغول کار هستند یا در منزل درگیری دارند. در نتیجه کار خانه یک زحمت مضاعف می‌شود. عمدتا همه می‌گویند برای خانم اجباری به کار بیرون از منزل وجود ندارد، بنابراین اگر در خانه بماند و مشغول کارهای منزل شود بهتر است، در حالی که در دوره تمدن‌سازی اسلامی خانم‌ها و آقایان باید در کنار یکدیگر این تمدن را خلق کنند

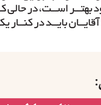

قوانین و مقررات خشک همواره یک طرف را ناراضی می‌کند، در حالی که در خانواده دنبال طرف راضی نیستیم، بنابراین دستور مراجع است که بعد از بیان شرح و فقه، همواره حکم اخلاق هم بیان شود. به طور مثل درست است که وظیفه قطعی نیز نیست که طرف بشود با غذا درست کند، اما اخلاق حکم می‌کند که یک خانم در این زمینه فعال‌تر باشد

به اعتقاد وی با توجه به احکام شرعی مطرح شده از سوی مراجع تقلید در برخی امور حضور زنان واجب شده است.

دریانی با در نظر گرفتن منشغله‌های بانوانی که بیرون از منزل فعالیت دارند، می‌افزاید: آنچه در جامعه ما محدودیت ایجاد کرده این است که وظیفه نان‌آوری به مرد سپرده شده و اولویت کار را بیست که همین نوع تقسیم وظیفه ایجاد اختلاف‌هایی می‌کند.

این روان‌شناس حوزه خانواده می‌گوید: وقتی موضوعات بین زوجین قرار می‌گیرد، اگر توافقی به شکل توافقی پیش می‌رود، در نتیجه خانم می‌گوید من برای تأمین زندگی، به تو کمک می‌کنم و آقا هم از همین نقطه وارد خواهد شد و حظ قانون را مادک قرار نمی‌دهند. اینجا خیر برای کاری که وظیفه‌اش نیست کمک می‌کند، حمایتگر است و اقام‌هم باید بر او را در خانه کم کند.

به اعتقاد وی، این موضوعات توافقی است و به تعداد تمام زوجین توافقات فرق دارد و ثابت نخواهد بود. در توافق و اخلاق حظ کشی و مرز وجود ندارد و هر کس در حق دیگری مجاهدت می‌کند.

دریانی می‌گوید: همه موارد مطرح‌شده نیازمند یک چاشنی بوده و آن فهمیدن است. وقتی ما به مفهوم همدلی برسیم یعنی او را درک کنیم، خود را جای فرد مقابل بگذاریم و با تمام خصوصیات بیدریم، درک باعث رخت بستن قوانین خشک می‌شود.

روان‌شناس حوزه خانواده خاطر نشان می‌کند: گاهی یک خانم منشغله‌های بیرون یک مرد را درک می‌کند و گاهی افراد کاملاً سرو کله‌زدن با بچه‌ها را درک می‌کنند. در متقابل قانونی میان زوجین ایجاد می‌کند و این قانون‌ها متناسب با شخصیت زوجین تصویب می‌شود.

همواره همه می‌گویند: «ما یکدیگر سازیم»، بنابراین زوجین در همه چیز باید بتوانند سازنده بر پایه همین واژه حتی قوانین شکل بگیرند. قانون یک طرفه است اما باهم قانون خود را خلق کنید که حال هر دو طرف خوب باشد و هیچ کس حس مظلوم‌بودن نداشته باشد.

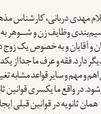

قوانین ثابت فقهی برای ایجاد خانواده، گاهی با عرف و قوانین جامعه متفاوت است. اما اگر طرفین اصرار به «من» خود داشته باشند، امکان تغییر نهاد خانواده نگاه می‌کند، یک تفکیک وظیفه در آن دیده خواهد شد، اما اگر این تفکیک درست دیده نشود، ضعف یکی قدرت دیگری را به خانواده می‌رساند. در نتیجه خانواده دنبال طرف راضی نیستیم، بنابراین باید دستور مراجع است که بعد از بیان شرح و فقه، همواره حکم اخلاق هم بیان شود. به طور مثل درست است که وظیفه قطعی نیز نیست که طرف بشود با غذا درست کند، اما اخلاق حکم می‌کند که یک خانم در این زمینه فعال‌تر باشد

منصوره الزامی، روان‌شناس و مشاور خانواده:

علایق و مهارت‌های زوجین در تقسیم مسئولیت‌های خانه لحاظ شود

یک مشاور خانواده می‌گوید: زوجین دنبال انعطاف، هماهنگی و همراهی هستند، بنابراین وظایف و نقش‌های منزل و بیرون از خانه نیز از این قاعده مستثنی نیست. منصوره الزامی معتقد است نقطه تعادل و تفاهم در زندگی زوجینی که از شغل‌شان به خانه و چه در نقش‌هاست.

آزاده نیاز، استاد دانشگاه و پژوهشگر مطالعات زنان و خانواده:

کارهای خانه را تکلیف‌مدار نگاه کنیم نه وظیفه‌مدار

آزاده نیاز، استاد دانشگاه و پژوهشگر مطالعات زنان و خانواده در گفت‌وگو با «جوان» در رابطه با تقسیم وظایف میان زوجین وارد موضوع اصلی و فلسفه تشکیل نهاد خانواده می‌شود و می‌گوید: قالب تقسیم کار بین زوجین را همان خانه‌ای تعیین می‌کند که طرفین زندگی می‌کنند.

وی با اشاره به فرمایشات اخیر رهبر معظم انقلاب اظهار می‌دارد: توجه به جنسیت و تفاوت‌های جنسیتی در بین زن و مرد در محیط بیرون از خانه وجود ندارد، اما در خانه این تفکیک وجود دارد چراکه در محیط داخل خانه ماموریت‌هایی تعریف شده که بر اساس آن نقش آفرینی خواهیم کرد ولی در محیط خارج از خانه ماموریت اجتماعی وجود دارد که برتری جنسیتی یکی بر دیگری وجود ندارد بلکه صرفاً مبتنی بر شایستگی و عقلانیت است.

به گفته وی، ما قرار است از خانه‌ای حرف بزنیم که ویژگی جنسیتی در آن نفی نمی‌شود و زن و شوهر باید متوجه باشند در کدام جه ظر قرینی دارند که به مدد آن اقدام کنند. اگر زن و مرد خود را در این موضع که اراده یکی بر دیگری تعریف شود، نبینند و در حقیقت به کمیت اراده برداریم، کیفیت اراده را به محک خواهند گذاشت که هر کدام سعی در ارائه بهترین کار با برترین کیفیت خواهد داشت.

وی در این باره توضیح داد: کیفیت مدیریت احساسات خانه را با موضع قدرت در اختیار زن قرار می‌دهد و در حقیقت تنظیم گری احساسات و عواطف محیط خانه را به زن می‌سپارد. در مقابل رسیدگی ساختاری را در اختیار مرد قرار می‌دهد و اینگونه می‌شود که ناخودآگاه وقتی در ظاهر و شکل بیرونی به این مجموعه نهاد خانواده نگاه می‌کنید، یک تفکیک وظیفه در آن دیده خواهد شد، اما اگر این تفکیک درست دیده نشود، ضعف یکی قدرت دیگری را به خانواده می‌رساند. در نتیجه خانواده دنبال طرف راضی نیستیم، بنابراین باید دستور مراجع است که بعد از بیان شرح و فقه، همواره حکم اخلاق هم بیان شود. به طور مثل درست است که وظیفه قطعی نیز نیست که طرف بشود با غذا درست کند، اما اخلاق حکم می‌کند که یک خانم در این زمینه فعال‌تر باشد.

وقتی شما خود را در جایگاه وظیفه می‌دانید گویی حقی از شما سلب شده و از روی اجبار باید کاری را انجام دهید. در نتیجه خود را در جایگاه مطالبه‌گری و منت خواهی دیدیا سهم‌خواهی شکل می‌گیرد. اما وقتی قصه تکلیف‌محوری می‌شود، یعنی کار را جزئی از خود می‌دانیم، بنابراین راهی جز پذیرش برای رسیدن به کمال و رشد نخواهیم داشت

وی در ادامه می‌گوید: تقسیم کار به جزئیات مختلف از جمله نوع شغل خانم و آقا، سبک زندگی، تعداد فرزندان، نوع خود و خوراک و حتی محل زندگی و متراژ خانه برمی‌گردد و باید با توجه به تمام این جزئیات تقسیم کار صورت گیرد.

این استاد دانشگاه می‌گوید: اخلاق افراد و نوع نیازمندی‌ها هم قرار دارد در نتیجه نمی‌توان نسخه واحدی برای همه پیچید، اما به همه می‌گوییم حواس‌تان به یکدیگر باشد و نیازمندی‌های روحی یکدیگر را درک کنید.

از دکتر شعربافچی‌زاده می‌پرسیم آیا باید این تقسیم کار از ابتدا مشخص شود. وی پاسخ می‌دهد: ما نیازمند آموزش‌های کار گاهی قبل از ازدواج هستیم و در واقع ما به آموزش‌های اجباری یا بدروی بیاوریم تا مهارت‌های مختلف زندگی آموزش داده شود. بسیاری از دختران و پسران ما در خانواده آموزش همسرداری نمی‌بینند و در کنار آن حتی والدین مسئولیت‌سازی را هم انجام نمی‌دهند. در نتیجه در بلوروود به زندگی با روحیتی مواجه می‌شویم که مهارت مسئولیت‌پذیری ندارند. تمامی موارد باید توافقی صورت بگیرد که این توافق می‌تواند هفتگی و روزانه تغییر کند و ثابت نیست اما باید توافق شود که وظایف تقسیم شود.

وی در پایان خاطر نشان می‌کند: اگر شرایط مرد اجازه همکاری در منزل را نداد، همدلی با همسرش را فراموش نکند که همان همدلی خانم را به صبر و آرامش می‌رساند.

وقتی شما خود را در جایگاه وظیفه می‌دانید گویی حقی از شما سلب شده و از روی اجبار باید کاری را انجام دهید. در نتیجه خود را در جایگاه مطالبه‌گری و منت خواهی دیدیا سهم‌خواهی شکل می‌گیرد. اما وقتی قصه تکلیف‌محوری می‌شود، یعنی کار را جزئی از خود می‌دانیم، بنابراین راهی جز پذیرش برای رسیدن به کمال و رشد نخواهیم داشت

گاهی روزانه و بر اساس برنامه‌هایی تکلیف جابه‌جایی شود. مرد خانه می‌تواند از فرصت‌های حضور خود استفاده کند و در واقع انجام برخی امور را فرصتی برای خود بداند. اگر نگاه‌ان نیز تکلیف‌مدارانه باشد، برای به موارد فعالیت خود به عنوان فرصت نگاه کند، در نتیجه نقش، وجود و حضور خود را نشان می‌دهد و می‌تواند در بستر آرامش، مهیوبون خود را به چشم بیاورد. در واقع اظهار اراده‌ها را در نقش‌های متفاوتی ایجاد و یکدیگر را تکمیل می‌کنند و این زمینه سکوی پرواز به سمت مقصد نهایی و ماموریت نهایی خانواده متعادل است. ابزار این ماموریت استفاده از ابزار مهارت و تبدیل واژه «من» به «ما» است.

وی در پاسخ به سؤالی مبنی بر فرق تکلیف و وظیفه یکدیگر می‌گوید: وقتی شما خود را در جایگاه وظیفه می‌دانید، گویی حقی از شما سلب شده و از روی اجبار باید کاری را انجام دهید. در نتیجه خود را در جایگاه مطالبه‌گری و منت خواهی دیدیا سهم‌خواهی شکل می‌گیرد، اما وقتی قصه تکلیف‌محوری می‌شود، یعنی کار را جزئی از خود می‌دانیم، بنابراین راهی جز پذیرش برای رسیدن به کمال و رشد نخواهیم داشت. در نتیجه دنبال فرصت‌های نقش آفرینی خواهیم گشت. در واقع وظیفه یعنی تعیین تکلیف برای دیگری اما در موضع تکلیف به دنبال نقش خود می‌گردیم تا زمانی که «من» ها حظ شود، نه خانواده‌ای وجود دارد و نه تقسیم کار شکل می‌گیرد.

از این جامعه‌شناس پرسیدیم چرا عمدتاً سبک تکلیف‌ها از جلب آقایان رخ می‌دهد و خانم‌ها علاقه‌مندی بیشتری برای رفتن در این مسیر دارند؟ وی در این باره خاطر نشان کرد: ضعف در شناخت و آگاهی باعث می‌شود سالب انجام وظایف و تکالیف باشیم. وقتی دایره شناخت و آگاهی برای ماموریت کمتر باشد، باعث خواهد شد زنان برای انجام فعالیت‌ها مستعدتر باشند. به مرور فرهنگ عمومی هم دخیل شده و مأساته این تکلیف‌محوری وظیفه شده و آن را در گیر کلیشه کرده‌اند. اگر هر کدام از طرفین اصرار به «من» خود داشته باشند، امکان ماموریت نهاد خانواده محقق نمی‌شود و مهم‌ترین گام فاصله گرفتن از این «من» است.

وقتی شما خود را در جایگاه وظیفه می‌دانید گویی حقی از شما سلب شده و از روی اجبار باید کاری را انجام دهید. در نتیجه خود را در جایگاه مطالبه‌گری و منت خواهی دیدیا سهم‌خواهی شکل می‌گیرد. اما وقتی قصه تکلیف‌محوری می‌شود، یعنی کار را جزئی از خود می‌دانیم، بنابراین راهی جز پذیرش برای رسیدن به کمال و رشد نخواهیم داشت

مریم‌سادات ظهوریان جامعه‌شناس و فعال فرهنگی:

تفاهم میان زن و شوهر فقط با عاطفه و گذشت کامل می‌شود

یک جامعه‌شناس معتقد است: تفاهم دو وجه دارد: یکی شخصیت حقیقی آدم‌هاست که دارای ویژگی‌های خاص خودش است و کسانی می‌توانند کنار هم باشند که از نظر روحیات شخصیتی تکمیل‌کننده هم باشند، باهم کنار بیایند و همدیگر را پیدا برند. دیگری بخش فیزیکی است، به این معنا که افراد شاید از نظر روحی باهم کنار بیایند و آن چیزی را که در بعد شخصیتی‌شان دارند، به‌روزرسانی و بالقبل کنند اما گاهی ممکن است کار و حرکات او را نپسندیم، چون تکمیل‌کننده شرایط ما نیست، بنابراین این دو بخش اهمیت دارد و هر کدام از آنها نباشد، سبب اختلالاتی خواهد شد.

تفاهم را نشابه و توافق فرق دارد

مریم‌سادات ظهوریان، جامعه‌شناس و فعال فرهنگی در گفت‌وگو با «جوان» گفت: تفاهم با تشابه و توافق فرق دارد. خیلی وقت‌ها خواهر و برادر تشابه رفتاری دارند ولی نمی‌توانند زیر یک سقف زندگی کنند. افراد باید تکمیل‌کننده هم باشند و مانند مهره‌های پازل همپوشانی داشته باشند. اگر فقط شبیه هم باشند نمی‌توانند همپوشانی داشته باشند، بنابراین تشابه دلیلی بر موفقیت یک زندگی نیست. توافق نیز با تفاهم متفاوت است. توافق یعنی با ایده‌های هم موافق بودن و سر یک مسئله‌ای به توافق رسیدن، اما تفاهم یعنی سهم مشترکی از موضوعات، ریزه‌کاری‌های زندگی و درک مشترک از جزئیات تا کلیات زندگی داشتن.

با به‌گذاری تفاهم قبل از ازدواج

این جامعه‌شناس به اهمیت ایجاد و پایه‌ریزی تفاهم قبل از ازدواج اشاره کرد و اظهار داشت: زوج‌ها می‌توانند در فضای زندگی با فکر کردن به تفاهم بین‌شان پی ببرند، حتی ممکن است تحصیلات داشته باشند، اما نحوه تفکر و نگرش آنها با بنا به سنت‌های عوامانه تفاوت داشته باشد. باید ریشه‌ها و نگرش‌های اصلی باهم متناسب و نحوه فکر کردن همسو شود تا کم‌کم پیش برویم و مشترکات را کنار بگذاریم و وارد ریزه‌کاری‌ها شویم. این اشتراکات نیز لازم است قبل از ازدواج وجود داشته باشد چراکه بعد از ازدواج سخت می‌توان آنها را به وجود آورد. مثلاً سفید من با سفید دیگری اگر همسو باشد، کار راحت‌تر است. در غیر این صورت به سختی می‌توان به جزئیات رسید. به طور مثال در سال‌های قبل شرح وظایف زن داخل خانه بود و شرح وظایف مرد خارج از خانه، اما الان این نسخه متروک شده است، همچنین ارتباطاتی که در قبل وجود داشت، محدود به یک محله، همسایه و نهایت هم آپارتمانی و همشهری بود، اما امروز این ارتباطات به اندازه کل جهان وسعت دارد، یعنی در آن واحد می‌توان با همه دیدگاه‌ها آشنا شد. پس در زندگی مشترک هر دو نفر باید منتفع شوند و به اندازه انتظار نقش داشته باشند.

تفاهم صددرصدی نیست، عاطفه و گذشت را چاشنی آن کنیم

ظهوریان می‌گوید: تفاهم برخاسته از عاطفه است. تربیت هم اصل کار است که اگر هر دو وارد زندگی شوند، به دنبال آن عشق، علاقه، انگیزه، عاطفه، خواستن به ماندن و خواستن به گذشت کردن به میان می‌آید و زندگی به تفاهم نهایی منجر می‌شود. باید بخشش، صبر، گذشت، عاطفه و محبت در زندگی جای خودش را پیدا کند. مثلاً شخصی می‌گوید، به خاطر عاطفه و علاقه به زندگی گذشت می‌کنم؛ چون عاقل، بالغ و عاشق هستم و می‌توانم صبر و گذشت داشته باشم. حال اگر تفاهم اولیه وجود نداشته باشد، این عاطفه و گذشت به سختی به دست می‌آید. این نکته هم قابل توجه است و آنکه، هیچ تفاهمی صددرصد نیست، بنابراین لازم است عاطفه و گذشت چاشنی کار شود تا زندگی شیرین‌تر شود.

زنان و مردان بیشتر بعضی نقش‌ها خاص یکی است

به گفته این جامعه‌شناس بعضی کارها را تنها مرد است که می‌تواند انجام دهد و بعضی نقش‌ها فقط از عهده برمی‌آید، مانند وجه عاطفی و صبوری که خاص زن و مادر دیده می‌شود، البته استثناهم هست و گاهی این نقش‌ها جابه‌جا می‌شود ولی در اصل شبیه‌ایم نقش مادر می‌تواند تکمیل‌کننده‌تر باشد و اگر کمبودی بود از سوی پدر جبران شود، این می‌شود تفاهم، مثلاً در بخشی از کارها ۵۰ به ۵۰ هستیم ولی بعضی جاها شخصیت زن بهتر می‌تواند ایفای نقش کند، نه به عنوان وظیفه و تحکم بلکه به این دلیل که این نقش در وجه شخصیتی اوست، به همین دلیل مطالبه‌گری بیشتری در خانواده می‌شود. این مسائل می‌تواند روی محور تفاهم پیش برود.

مردان به شغل خانه‌داری نگاه سطحی نداشته باشند

این فعال فرهنگی به بعضی دیدگاه‌هایی که نسبت به شغل هنرمندانه خانه‌داری وجود دارد، اشاره کرد و گفت: متأسفانه در بعضی موارد شاهدیم نگاه به خانه‌داری سطحی و پیش پا افتاده است، همین موضوع باعث می‌شود مردان در انجام کارهای محوله نگاه سطحی و عامیانه‌ای داشته باشند و آن را درست و با دقت انجام ندهند. حال زنانی که ویژگی شخصیتی‌شان قانونمندتر است و نقش برجسته عملکردی دارند، دوست دارند این ویژگی در کار خانه دیده و منظور شود. اینجا همان ۵۰ به ۵۰ که گفتیم به وجود می‌آید، مثلاً اگر مردی در کار مکانیکی خودروهای مشکلی پیش بیاید، آیا اجازه می‌دهد همسر او وارد ریزه‌کاری‌ها شود؟ کار منزل هم باید اینطور دیده شود، ولی بعضی آقایان از اسطحی و کم‌اهمیت می‌بینند، به همین دلیل بعضی کارها مانند جاروکردن را سطحی و بی‌دقت انجام می‌دهند، به شغل خانه‌داری باید نگاه ویژه داشت. این شغل هم مانند مشاغل دیگر مهندسی معکوس دارد و هم مهندسی اصلی، مردان باید ابتدا مهندسی معکوس را ببینند تا به مهندسی اصلی برسند. اگر از همان ابتدا کارهای خانه را پیش پاافتاده‌ترین امور در نظر بگیرند، به خودشان اجازه می‌دهند این کارها را خیلی راحت و بدون توجه انجام دهند و این نگاه سینه‌به‌سینه می‌چرخد و به فرزندان می‌رسد. این کار تفاهم صددرصدی نیست.

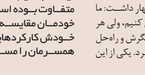

تفاهم را تشابه و توافق فرق دارد. افراد باید تکمیل‌کننده هم باشند و مانند مهره‌های پازل همپوشانی داشته باشند. اگر فقط شبیه هم باشند، نمی‌توانند همپوشانی داشته باشند، بنابراین تشابه دلیلی بر موفقیت یک زندگی نیست. توافق نیز با تفاهم متفاوت است. توافق یعنی با ایده‌های هم موافق بودن و سر یک مسئله‌ای به توافق رسیدن، اما تفاهم یعنی سهم مشترکی از موضوعات، ریزه‌کاری‌ها و درک مشترک از جزئیات تا کلیات زندگی داشتن

زن و شوهر باید تکمیل‌کننده هم باشند

ظهوریان در آخر گفت: تفاهم خیلی سخت پیش می‌آید یک سوختن و ساختن است. باید اشتراکات اولیه وجود داشته باشد، بعد با کمک مشاور با محبت‌های فردی و شخصی تفاهم را ایجاد کرد. اولین و آخرین راهکاری که می‌تواند مشکل تفاهم را حل کرد «گفت‌وگو» است. حرف و جملاتی از جمله اینکه «خودت باید بفهمی»، «من این را می‌گویم و تو نه!»، فاصله را بیشتر می‌کند. زوجین باید مشکلات را با مشارکت و مشورت حل کنند. گاهی اوقات گفت‌وگوها مستقیم قابل بحث است، اما گاهی کمک نفر سوم مانند مشاور نیز لازم است.

منصوره الزامی، روان‌شناس و کارشناس ارشد مشاوره خانواده است. وی زوج در مانگر و سال‌هاست در حوزه ازدواج و خانواده فعالیت دارد. این کارشناس ارشد در ادبیاتی گفت‌وگو با «جوان» درباره زوجی صحبت کرد که در خصوص تفاهم و انتظارات‌شان از یکدیگر دچار مشکل شده بودند. او در توضیح افادات: چند وقت پیش زوجی داشتیم به اسم هانیه و سعید که در موضوعات اساسی باهم چالشی نداشتند